

# نقش تعالیم اسلام در رشد و توسعه

کتاب عبدالحلیم قاضی

مدرس دارالعلوم زاهدان

بر توسعه انسانی تأکید می‌شود و در نتیجه، توسعه اقتصادی  
عنصری اساسی و جدایی‌ناپذیر از توسعه اخلاقی و اقتصادی  
جامعه انسانی به شمار می‌رود.

## مفهوم اسلامی توسعه

توسعه اقتصادی: مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی است که  
موجب افزایش و رشد و شکوفایی اقتصاد شده، و همچنین سبب  
ایجاد شغل برای بیکاران می‌گردد، و تعداد حقوق‌بگیران جامعه  
بیشتر شده و از تعداد بیکاران کاسته می‌شود.<sup>(۱)</sup>

## دوام و استحکام توسعه

دوام و استحکام توسعه به این است که ملتی راقدر سازد کنترل  
هدف‌داری بر محیط اقتصادی اعمال کند تا کیفیت زندگی خود  
را بهتر کند.

## اهداف سیاست توسعه

**الف: توسعه منابع انسانی:** باید نخستین هدف سیاست ما در  
توسعه، توسعه منابع انسانی باشد. این توسعه، القای نگرشها و  
خواستهای صحیح، توسعه شخصیت و منش، تحصیل و  
آموزش در جهت ایجاد تواناییهای لازم برای فعالیتهای مختلف،  
ارتقای سطح دانش و پژوهش، و گسترش مکانیزمهایی برای  
مشارکت خلاق و مسئولانه مردم عادی در فعالیتهای توسعه‌ای  
کلیدی، تصمیم‌گیری در تمام سطوح و در نهایت سهم بردن از  
ثمرات توسعه را هم شامل می‌شود.

و راه حل آن: اولویت دادن به توسعه و اسلامی کردن آموزش،  
جهت‌گیری اخلاقی عموم مردم و پیدایش ساختار جدید روابط  
مبتنی بر تعاون، مواسات و مشارکت است که این امر خود نیازمند  
دستگاه اداری بسیار کارآمدی برای تحرک بخشیدن به منابع  
انسانی و القای روح ایثار و حداکثر کمک برای دستیابی به  
اهداف اجتماعی است.

ب: گسترش تولید مفید: افزایش دائم و بی وقفه تولید ملی

اسلام دین جامع و کاملی است، که برای صلاح دنیا و آخرت  
انسانها، به منصفه ظهور آمده است، تا دنیای صالح و پراز رفاه و  
امنیت، و آخرتی باسعادت را برای ما تأمین نماید. هدف ما در  
این نوشتار این است که چطور می‌شود دنیایی بارفاه و امنیت را  
در پرتو تعالیم اسلامی، برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد.  
قبل از هر چیز، چند چیز در این زمینه سرنوشت‌ساز و حیاتی  
است:

۱. ایجاد پتانسیلهای لازم،

۲. رفع موانع،

۳. نقش مدیران کاردان و متخصصین.

ایجاد پتانسیلهای لازم برای رشد و توسعه در تمام ابعاد و زمینه‌ها  
امری بنیادی است، دین اسلام برای تأمین آن فقه معاملات را  
در نظر گرفته است که دستورهای اساسی و جامعی برای ایجاد  
شغل و رشد و توسعه و به کارگیری استعدادهای درخشان و  
نیروهای بالقوه و بالا بردن میزان رشد اقتصادی مردم و دولت و  
به جریان افتادن سرمایه‌های راکد و سرگردان، در خود دارد.

و گردش چرخ اقتصاد نباید فقط به متمول شدن یک طرف و  
فقیر شدن طرف دیگر بینجامد آن گونه که نظام سرمایه‌داری به  
بار آورده است. در اسلام به برخورداری افراد از حق  
سرمایه‌گذاری آزاد تشویق شده است، از آن جمله می‌توان به  
عقود معاملات صرف، بیع استصناع (سفارش ساخت)، سلّم  
(پیش فروش)، مضاربه، مشارکت و مُرابحه و عقد رهن برای  
حفظ اموال و جلب اعتماد اشاره کرد.

## توجه اسلام به توسعه اقتصادی

اسلام به مسأله توسعه اقتصادی توجه عمیقی دارد، اما آن را  
بخشی از مسأله‌ای گسترده‌تر، یعنی «توسعه انسانی» می‌داند.  
نقش اولیه اسلام هدایت توسعه انسانی بر خطوط صحیح و در  
جهت درست است. اسلام به تمام ابعاد توسعه توجه دارد، اما  
همواره در چارچوب توسعه انسانی به طور کلی نه در شکلی  
جداز این چشم‌انداز؛ از این روست که حتی در بخش اقتصادی

### آفات توسعه

#### ۱. ربا:

اگر در عقود سابق الذکر ربا در نظر گرفته شود و تمام خسارت همیشه بر دوش یک طرف (متعاملین با بانک یا متقاضیان تسهیلات) قرار داده شود و طرف دیگر همیشه در حال متضرر شدن باشد، این روند جامعه را دو قطبی (سرمایه دار فقیر) کرده و آن را به تباهی کشانده و بانکها را به دیده غولهای بلعنده نگاه می کنند و آفات زیادی در جامعه شیوع می یابد. علامه ابوزهره رحمه الله می نویسد:

یکی از اقسام حیف و میل کردن اموال، ربا است. چون پول نقد، پول نقد را بیرون نمی دهد بنابراین به چه دلیلی صد تومان می گیرد و یکصد و ده تومان بر می گرداند، آیا این ده تومان به خودی خود از یکصد تومان زائیده است، یا این که نتیجه تلاش و کوشش گرداننده آن است. وقتی معلوم می شود نتیجه و دسترنج گرداننده آن است، لازم است که بانک با او در کسب و زیان شریک باشد، نه این که بانک همیشه در حال اندوخته کردن باشد و دیگری (عامل) همیشه به تنهایی در معرض سود و زیان باشد.

ربا جوامع و بدهکاران را به انحلال و نابودی می کشاند و دائن (طلبکار) در نظر مدیون (بدهکار) مثل این می ماند که او را دارد می خورد و کینه و بغض او را به دل می گیرد و روح مادیت به جای دوستی و محبت بین افراد حاکم می شود. و ربا آفتی از آفات اجتماعی بوده که بحرانهای اقتصادی را به دنبال دارد و تمام ادیان آسمانی آن را حرام قرار داده اند.<sup>(۳)</sup>

#### فلسفه تحریم بهره (ربا):

علت اصلی تحریم بهره در اسلام این است که بهره ظلم و بهره کشی است. وام دادن برای حمایت از نیازمندان مشروع شده است، اگر وام با بهره باشد بجای حمایت بر آنها ظلم روا داشته می شود در صورتی که خداوند ثروت را آفریده است تا به نیازمندان کمک کنند نه از آنان بهره کشی شود. در وامهای تولیدی بازده تضمین شده غیر عادلانه است، زیرا سودهای حاصل از فعالیت اقتصادی دستخوش عدم اطمینان است.

دومین علت تحریم بهره این است که بهره ثروت را

اشیای مجاز، که همانا هدف مهمی است و پرهیز از تولید اشیای ناجایز و حرام.

ج: پیشرفت بخشیدن به کیفیت زندگی: برای تحقق این امر باید اولویتهای زیر را در نظر گرفت:

۱. ایجاد اشتغال با تعدیلات ساختاری، تکنولوژیکی، سرمایه ای، منطقه ای و آموزشی،

۲. سیستم تأمین اجتماعی و تکامل و همیاری اجتماعی،

۳. توزیع عادلانه ثروت و درآمد.

د: تثبیت توازن،

ه: استفاده بهینه از تکنولوژی جدید،

و: کاهش وابستگی (بافعال کردن کشاورزی، دامداری و صنعت و...).

ز: پژوهش و برنامه ریزی، سازماندهی پژوهشهای کوتاه مدت و بلند مدت (پایه ای تر) برای دریافتن مشکلات و طرق دستیابی به راه حلهای خلاق. سازماندهی مجدد و توسعه آمارها و رشد برنامه ریزی شده سازمانهای تحقیقاتی برای تهیه برنامه هایی واقع گراتر که در آینده به آنها نیاز داریم.<sup>(۴)</sup>

#### نقش دولت

در اسلام بدون آن که به تأکید بر آزادی فردی آسیبی وارد آید، نقش دولت در زندگی اقتصادی هر چه بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. این نقش به طور عمده چهار نوع عملکرد را در بر می گیرد:

۱. تضمین سازگاری افراد با نظام اسلامی از طریق آموزش؛

۲. حفظ شرایط سالم در بازار برای تضمین عملکرد صحیح آن؛

۳. اصلاح تخصیص منابع و توزیع درآمد تحت تأثیر مکانیزم بازار بوسیله هدایت و تنظیم آن در حالت مستقیم و مشارکت در این روند؛

۴. برداشتن گامهای مثبت در زمینه تولید و تشکیل سرمایه به منظور سرعت بخشیدن به رشد و تأمین عدالت اجتماعی.<sup>(۵)</sup>

البته ناگفته نماند که دولت آن را به شیوه ای دمکراتیک اجرا کند و تصمیم گیرها را نمایندگان مردم پس از مشورت کافی انجام دهند.

☑ ربا آفتی  
از آفات  
اجتماعی  
بوده که  
بحرانهای  
اقتصادی را  
به دنبال  
دارد و تمام  
ادیان آسمانی  
آن را حرام  
قرار  
داده اند.

از فقرا به ثروتمندان منتقل می‌کند و نابرابری در توزیع ثروت را افزایش می‌دهد. این امر خلاف مصالح اجتماعی و رضای خدا است که دوست دارد ثروت و درآمد عادلانه توزیع شود.

اسلام طرفدار تعاون و برابری است، بهره این نگرش رانفی و شیوه زندگی کاملاً متفاوتی را فرارو می‌نهد. سومین دلیل تحریم بهره این است که بهره طبقه‌ای از افراد عاطل و بیهوده و بیکار را پدید می‌آورد.<sup>(۵)</sup> پروفیسور حمیدالله می‌نویسد:

اصل مخاطره‌پذیری یک طرفه که در نهاد بهره وجود دارد باعث شده است اسلام بهره را تحریم کند.

و غنامه (۴۱۲:۸۶) دو علت دیگر تحریم بهره را چنین بیان می‌کند:

۱. بهره ناقض عدالت است،

۲. بهره با حکم اسلام در تضاد است، چون بهره یعنی: گرفتن پاداش بدون هیچ‌گونه تلاش.<sup>(۶)</sup>

۲- رشوه:

یکی دیگر از آفات توسعه‌گسترش و شیوع مهلک و تمام‌عیار رشوه‌خواری در دوایر دولتی و غیره تحت عناوین مختلفی از قبیل هدیه، شیرینی، عیدی و غیره می‌باشد. در هر جامعه‌ای رشوه رواج پیدا نماید، موازین اخلاقی و دینی جامعه فاسد شده و جامعه روبه زوال خواهد رفت. به همین خاطر الله تعالی میفرماید:

«و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون»<sup>(۷)</sup>؛ اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی و...) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورند و شما بر آن آگاه باشید (و بدانید که ستمکار را یاری داده‌اید و مرتکب گناه شده‌اید).

اگر در جامعه‌ای مسؤلان و مدیران آن از رشوه خواری پرهیز نمایند، امنیت اقتصادی کشور و ملت تامین و مستحکم می‌گردد و آن مسؤل در انجام وظیفه‌ی خود خدای خود را خوشنود و مردم را ممنون خود کرده است؛ زیرا رشوه‌خواری مکیدن خون مظلومان ملت است.

مولانا ندوی رحمه الله در نامه‌ای به اندیراگاندی

نخست وزیر وقت هندوستان می‌نویسد:

«وضعیت طوری شده که اگر رشوه بدهند هر کاری شدنی است با رشوه مجرمان از چنگ قانون فرار می‌کنند و بی‌گناهان به دام می‌افتند و احکام ظالمانه صادر می‌شود و... همه چیزها برمیگردد به محبت زیاد مال، و حرص بر مطامع دنیا و عدم خوف از خداوند، و فقدان روح مواسات و ترحم برضعفا، و عدم عاطفه و فاداری به کشور، و ترجیح مصالح فردی بر مصالح کشور... بنابراین مردم از زندگی خسته شده‌اند».<sup>(۸)</sup>

در زمان عمر بن عبدالعزیز، ایشان در جواب سؤال فردی که شما چرا هدیه قبول نمی‌کنید؟ در صورتی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم هدیه را پذیرفته‌اند، فرمود: «الان اوضاع و مردم تغییر کرده‌اند و برای رسول الله صلی الله علیه و سلم واقعا هدیه بوده، اما برای ما رشوه تلقی میشود و من به آن نیازی ندارم».<sup>(۹)</sup>

شایسته است که مدیران و مسؤلان یک جامعه چنین عزت نفسی داشته باشند.

### عدالت نکته اساسی توسعه

عدالت، یکی از پایه‌های اساسی رشد و توسعه می‌باشد، و به سه بخش تقسیم میشود:

۱- عدالت قانونی ۲- عدالت اجتماعی ۳- عدالت بین الملل.

### عدالت قانونی:

اگر می‌خواهیم جامعه‌ای ایده‌آل و شکوفا و پر رونق داشته باشیم نباید در محیط کار، و حوزه استحفاظی و ماموریت خود در اجرای قانون هیچ فرقی بین افراد صاحب منصب و یک کارگر ساده، و بین ثروتمند و فقیر، و بین یک طایفه با طایفه دیگر، و بین مذاهب قایل باشیم. باید بدانیم قانون برای همه است، البته اگر تفاوتی قایل می‌شویم در پایبندی به فضایل و اخلاقیات باید باشد. صاحبان فضایل و درستکاران را به خود نزدیک کرده تا جامعه مان شکوفا شود و مشکلات کمتر شود، زیرا اینان برای جامعه مفید هستند و ما را بیشتر در تحقق اهدافمان در جامعه کمک می‌نماید. گفته سعد زغلول در این باره بسیار پرمحتوا است آنجا که می‌گوید:

«اننا نتفاضل فیما بیننا، و لکننا امام القانون سواء»؛ مانسبت

☑ الان اوضاع  
و مردم تغییر  
کرده‌اند و  
برای  
رسول الله (ص)  
واقعا هدیه  
بوده، اما برای  
ما رشوه تلقی  
میشود و من  
به آن نیازی  
ندارم.

دفع ضرر مقدم بر جلب منفعت خواهد بود، و اگر عدالت نباشد این امر تحقق نخواهد یافت، چون عدل یعنی: دادن حقوق مردم به آنان، و ظلم نکردن بر آنان.

### نیروی شریعت در اصلاح جامعه و فرد

برای اصلاح افراد و جامعه در تمام سطوح سیاسی، اقتصادی، عمرانی، اخلاقی، اجرایی، فقط یک عامل می تواند آن را اصلاح کرده و مفید رشد و توسعه باشد و آن شریعت اسلام است.

دکتر یوسف قرضاوی می نویسد: «هر که تاریخ امت مسلمانان را منصفانه بررسی کند، به دو نکته اساسی پی خواهد برد:

۱. هر گاه شریعت درست فهمیده شده و به درستی در جامعه پیاده شده، امت شوکت و قوت گرفته و متحد شده، و به رشد و شکوفایی و رفاه دست یافته، و امنیت در جامعه نهادینه شده، و از ضعف و ذلت و تفرقه و بیم از دشمنان رهایی یافته است.

۲. هر گاه شریعت درست فهمیده نشده و به درستی در جامعه پیاده نشده، امت دچار ضعف و ذلت و انحطاط و عقب ماندگی شده، دشمنان شرقی و غربی بر او مسلط شده اند. که رویدادهای دور و نزدیک شاهد راستینی بر این گفته هستند.»

امام ابن قیم رحمه الله می نویسد: «شریعت همه اش عدل، حکمت، رحمت و مصلحت است.»

### عوامل توسعه و مدیران

در توسعه و رشد بعد از توزیع درست و صحیح ثروت و اقتصاد و بودجه ها، نقش مدیران یک جامعه بس سازنده و حیاتی است. مدیران در زندگی خود باید از نیروی ایمان و اخلاص و حکمت و امانت برخوردار باشند و در راستای انجام وظیفه و مأموریت خود به درستی و به نحو احسن از تواناییهای خود کار بگیرند؛ زیرا پیشرفت و موفقیت انسان در درجه اول بستگی به رابطه مستحکم او با خداوند سبحان، مدبر کائنات و منبع فیوض، و شدت مناجات و التجایی دارد که او از خود نشان می دهد.

### دیگر ویژگیهای لازم

حکمت: لازمه حکمت این است که یک مدیر موفق و متخصص و ماهر از تیزهوشی و درک بالایی

به یکدیگر تفاوت مراتب داریم، اما در پیشگاه قانون با هم برابریم. این گلچین اندیشه اسلام در باب عدالت قانونی است. ابوبکر و علی رضی الله عنهما خلفای رسول الله صلی الله علیه وسلم به اعتبار اخلاق و تقوایشان از یک بادیه نشین برترند، اما آن دو در پیشگاه قانون با وی برابرند. آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الناس سواسية کاسنان المشط»؛ مردم چون دندانهای شانه باهم برابرند.<sup>(۱۱)</sup>

### نمونه ای از عدالت اسلامی

یکی از امرای غسانی تازه مسلمان، بی جهت به یکی از مسلمانان ساده سیلی زد، او به نزد حضرت عمر رضی الله عنه شکایت برد. امیر غسانی را احضار کرد و از او خواست تا او را راضی کند و گرنه به او فرصت تلافی و قصاص بدهد. اجرای قانون بر امیر غسانی و او را در یک کفه برابر از ترازوی عدالت قرار دادن با یک مسلمان ساده، باعث شگفتی می شود و به دیار کفر می گریزد؛ وقتی به خلیفه خبر می دهند، خلیفه از اینکه بر اثر اجرای عدالت امیر غسانی از اسلام ناراحت نمی گردد، زیرا به یقین می دانست که اگر در این یک مورد قانون اجرایی شد ممکن بود کم کم بی قانونی در بقیه شعب و نواحی گسترش پیدا کند و باعث وحشت و اضطراب مردم شده و هزاران نفر از دین متنفر شوند. امام ابو زهره در این باره می نویسد: «اجرای قانون اگر سبب خارج شدن هزاران نفر بشود که دلهایشان با نور ایمان کاملاً آباد نشده، بهتر از روا داشتن ظلم یا تساهل در برابر افراد ستمکار است.»<sup>(۱۲)</sup> ابوبکر صدیق رضی الله عنه می فرماید: «ضعیف ترین شما نزد من، قوی است تا زمانی که حق او را بگیرم، و قوی ترین شما نزد من ضعیف است تا زمانی که حق دیگران را از او بگیرم.»<sup>(۱۳)</sup>

### عدالت چرا؟

اسلام خیلی خیلی علاقمند است که اقتصاد جامعه رشد و توسعه یابد و تمام افراد ملت از ثمرات آن بهره مند گردند. و نسبت به دو امر خیلی تأکید کرده است:

۱. تأمین بیشترین درصد منافع برای اکثر افراد جامعه،
  ۲. دفع ضرر از آنان.
- اگر درصد منفعت و ضرر با هم برابر باشند در این جا

### ✓ اجرای

### قانون اگر

### سبب خارج

### شدن هزاران

### نفر بشود که

### دلهایشان با

### نور ایمان

### کاملاً آباد

### نشده، بهتر از

### روا داشتن

### ظلم یا تساهل

### در برابر

### افراد ستمکار

### است.

برخوردار باشد، مسایل را طبقه‌بندی کرده و اولویتها را در نظر بگیرد تا بتواند با کمترین هزینه و بدون اتلاف وقت در رشد و توسعه گام بردارد.

دکتر بوطی می‌نویسد: حکمت: یعنی قرار دادن اشیا در جایگاه شایسته آنها.<sup>(۱۴)</sup>

اخلاق ممتاز: برخوردار یک مدیر موفق با مراجعین باید خداپسندانه و پر از لطف و محبت باشد، زیرا افراد گرفتار و مصیبت زده در وقت برخورد بنا بر مشکلی که دامن گیر آنان شده، کنترل خود را از دست می‌دهند. و امکان دارد برخوردشان مناسب شأن یک مدیر نباشد، لذا مسئولان نباید از این گونه برخوردها برنجند و اخلاق آنان باید نشاءت گرفته از قرآن و سیرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم باشد، چنان که تمام قرآن معرف اخلاق بی نظیر آن حضرت صلی الله علیه وسلم است. و در این راستا باید از عفو و گذشت کار بگیرند و هیچ گاه به خاطر شخص خویش انتقام نگیرند چون آنان در موضع قدرت و مردم در موضع ضعف قرار دارند. و اذعان کنند که مردم ولی نعمت ما هستند اگر آنان نمی‌بودند و دچار مشکل نمی‌شدند ما این فرصت طلایی خدمت به مردم را نمی‌یافتیم، همین مردم اند که ما را از مشاکلشان آگاه می‌کنند تا ما به فکر حل آن باشیم و از طریق خدمت به آنان قرب خداوند را دریابیم نباید نسبت به آنان کوتاهی و یا با آنان تسویه حساب بکنیم، زیرا آن حضرت صلی الله علیه وسلم برای خود از کسی انتقام نمی‌گرفت. حضرت علی رضی الله عنه در برابر اسائه ادب یک یهودی، انتقام نگرفت، چون می‌دانست اگر انتقام بگیرد حظ نفس در آن سهم است و از اجر او کاسته می‌شود.

### به لطافت حریر، و به صلابت فولاد

علامه ندوی رحمه الله می‌نویسد:

«مدیران (یک جامعه) باید در برآورده کردن نیازها و احتیاجات مردم (و در برخورد با مردم) به نرمی و لطافت حریر، و در مقام دفاع از ارزشها و اعتقادات و ایده‌های اسلامی به صلابت فولاد باشند.»<sup>(۱۵)</sup>

### توان و امانت

در یک جامعه با احساس و آگاه، مسئولان باید خود را

خدمتگزار ملت مسلمان بدانند و خود را وقف مصالح ملت بکنند، چون معیشت آنان از بیت‌المال تأمین می‌شود و کاری جز در راستای بهبود مصالح مسلمانان انجام ندهند آن گاه رضایت الله و حمایت تمام عیار مردم را همراه خود خواهند داشت که پشتوانه محکمی برای آنان است. ابو مسلم خولانی به امیر زمان خود می‌گوید:

«شما اجیر مسلمانان هستید و آنان شما را برای رعایت مصالح خود استخدام کرده‌اند.»<sup>(۱۶)</sup>

بنابر این باید مسئولان توان و کفایت مطلوب را در انجام مسئولیت و اگذار شده داشته باشند و امانت لازم را در حیطة مسئولیت خود رعایت نمایند تا با درایت و خلاقیت تمام به خدمت مشغول شوند و به رتق و فتق امور مسلمین به نحو احسن بپردازند. این دو نکته و خصیصه مهم و اساسی در قرآن کریم از زبان دختر حضرت شعیب علیه السلام برای ما به یادگار مانده است که چراغ هدایتی برای مسئولان هر عصر و زمان است:

«یا ایت استأجره ان خیر من استأجرت القوی الامین»<sup>(۱۷)</sup>؛ ای پدر من! او را استخدام کن. چرا که بهترین کسی را که باید استخدام کنی شخصی است که نیرومند و درستکار باشد.

دکتر زحیلی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «لانه القوی علی حفظ الماشیه و القیام بشئونها، المؤمن الذی لا تخاف خیانتها». و صفته بافضل صفات الاجیر: القوة فی القیام بالأمر و الأمانة فی حفظ الشیء»<sup>(۱۸)</sup>.

پس این نکته را باید مد نظر داشت که سرمایه این مملکت را در دست افرادی قرار داد که فرصتهای شغلی ایجاد کنند و از امانت و توان لازم هم برخوردار باشند. نه این که به افرادی واگذار شود که فردا این سرمایه را از کشور خارج کنند.

حضرت عمر رضی الله عنه می‌فرماید: «من مسئول امانت و شغل خود هستم و نسبت به آنچه که در دست من قرار دارد آگاه و مطلع هستم. انشاء الله آن را به کسی واگذار نمی‌کنم و رأساً مسئولیت آن را به عهده می‌گیرم، و آنچه در جاهای دیگر، دور از دسترس من است آن را به افراد امین و خیرخواه از خود شما ملت می‌سپارم.»<sup>(۱۹)</sup>

و حضرت علی رضی الله عنه فرموده است: «از خداوند

☑ ابو مسلم  
خولانی به  
امیر زمان  
خود می‌گوید:  
شما اجیر  
مسلمانان  
هستید و آنان  
شما را برای  
رعایت مصالح  
خود استخدام  
کرده‌اند.

بخشی از نامه مولانا ندوی به اندیراگانندی اشاره می‌کند. او می‌نویسد:

«تاریخ و تجارب گذشته ثابت کرده‌اند که بزرگترین سیاست، و عظیم‌ترین دیپلماسی «اخلاص» است که در هر گیر و دار و زد و بند و کشمکش پیروزی و موفقیت و فتح و ظفر را برای صاحبش به ارمغان می‌آورد، عاقل و زیرک کسی است که با عملکرد خود دشمنان را دوست و دوستان را صمیمی و فدایی خود بگرداند. این اخلاص وقتی به شکل مهربانی مادران و رحمت پیامبران و شفقت مریبان مخلص و بلند همتی امرا (مدیران و رهبران جامعه) ظاهر شود، می‌تواند نیروی بیافریند که یک مدیر موفق با در دست داشتن آن کشور پهناوری را حمایت نماید.»<sup>(۳۳)</sup>

آنچه که از این نامه ظاهر می‌شود اهمیت اخلاص برای یک مدیر مسئول و موفق را می‌رساند حال! آیا مدیران جامعه ما از این امر عاجزند؟!

### تضرع و التجا، به خداوند

بعد از برنامه ریزی دقیق و به کارگیری تمام جوانب احتیاط برای موفقیت برنامه‌ها و مقید شدن در جهت اهداف مورد نظر، استمداد از خداوند حیاتی است. افراد متخصص اگر تنها متکی به مهارت و تخصصشان نباشند و شبها از خداوند بخواهند که آنان را در انجام و اجرای برنامه و مسوولیت‌شان موفق بدارد آن گاه از دو چیز کار گرفته‌اند، یکی از مهارت خود و دیگری از نصرتهای غیبی که بی‌یاوری غیب و امدادهای آسمانی همه کوششهای انسان بی‌فایده است. دکتر بوطی در مورد اهمیت دعا می‌نویسد:

«ما می‌بینیم تنها وسیله‌ای که با آن رسول الله صلی الله علیه و سلم و اصحاب در جنگ بدر و خندق بر دشمن پیروز شدند و نقشه‌های مرموز آنان مفید واقع نشد، وسیله تضرع و دعا و استغاثه به الله تعالی بود، این وسیله بر همه اسباب و وسایل مادی دیگر در تأثیرگذاری و افاده ترجیح دارد اگر ما با عنایت کامل بر آن پای بند باشیم وضعیت کنونی مادگرگون خواهد شد و جامعه‌ای مرفه و سربلند و شکوفا خواهیم داشت.»<sup>(۳۴)</sup>

در مورد بندگان و شهرهایش بترسید، شما مسئول هستید حتی از دشتهای و حیوانات، خدا را اطاعت بکنید و از نافرمانی اش حذر کنید.»<sup>(۳۵)</sup>

### تخصص و مهارت

یکی دیگر از خصیصه‌های سازنده که در رشد و شکوفایی مفید است و در اسلام بر آن تأکید شده است، تخصص و مهارت لازم در برنامه ریزی اقتصادی است. در اسلام دستوری هست که باید مسئولیتها را به صاحبان تخصص و کاردان و آگاه و با کفایت واگذار کرد. یعنی: باید شایسته سالاران مسئول امور باشند، در قرآن مجید آمده است:

«ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها»<sup>(۳۶)</sup>؛ همانا خداوند امر می‌کند به شما که ادا کنید امانات را به صاحبان آن.

حضرت یوسف علیه السلام برای مبارزه و کنترل اثرات قحط هفت ساله آن زمان پیشنهاد می‌دهد که من برای رویارویی و تخفیف اثرات قحط تخصص لازم در برنامه ریزی و درجه بندی اولویتها و تقسیم بودجه دولتی را دارم، مزید بر آن امین و حفیظ بوده و مسرف نیستم.

دکتر وهبه الزحیلی در توضیح این پیشنهاد حضرت یوسف علیه السلام می‌نویسد:

«حضرت یوسف علیه السلام گفت: مرا مسئول بیت المال و برنامه و بودجه قرار دهید تا بر آن مشرف بوده و در آن طوری تصرف نمایم تا توازن اقتصادی بین سالهای رفاه و سالهای قحط برقرار نموده و کشور را از گرسنگی فراگیر و خانمان سوز که حیات مردم را تهدید می‌کند نجات دهم، چون من خزانه دار امین و آگاه و ماهر به وظیفه و مسوولیت خود هستم». این فرموده حضرت یوسف علیه السلام اهمیت و جایگاه برنامه ریزی و تنظیم اقتصاد و برقراری توازن بین درآمدها و هزینه‌ها را در اسلام برای رشد و توسعه می‌رساند.»<sup>(۳۷)</sup>

### اخلاص

در مورد تأثیر اخلاص بر ساختار سیاسی و اجرایی کشور و موفقیت عملکرد مدیران در پیشبرد توسعه و عمران و آبادانی و اعتلا و سربلندی و شکوفایی به

این اخلاص  
وقتی به شکل  
مهربانی مادران  
و رحمت  
پیامبران و  
شفقت مریبان  
مخلص و بلند  
همتی امرا  
(مدیران و  
رهبران جامعه)  
ظاهر شود،  
می‌تواند  
نیروی  
بیافریند که  
یک مدیر موفق  
با در دست  
داشتن آن کشور  
پهناوری را  
حمایت نماید

### سیاست عام دستگاههای دولتی

سیاست ارگانها و ادارات باید این باشد که نسبت به بودجه‌های اختصاصی شدیداً احساس بوده و فقط به مقدار نیاز و در محل مناسب از آن هزینه شود تا حداکثر منافع را برای جامعه به دنبال داشته باشد و خود در استفاده شخصی از آن پرهیز کرده، و بر خود بخیل و بر ملت سخاوتمند باشند، و رفاه و آسایش و رفع نیازهای مردم را در اولویت قرار دهند.

حضرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله معتقد بودند: پولی که مردم به عنوان مالیات می‌پردازند قطره خونی است که جایز نیست در کانالی دیگر غیر از عروق این مردم جاری شود و آن را نباید در تزئینات و تجملات ظاهری ضایع کرد.<sup>(۳۵)</sup>

### پرهیز از بوروکراسی اداری

بوروکراسی اداری یکی از موانع رشد و توسعه است، حداقل سرعت آن را کاهش می‌دهد، و اسلام آن را نمی‌پذیرد.

عمر بن عبدالعزیز رحمه الله به یکی از والیان و استانداران خود می‌نویسد:

«وقتی این بخشنامه به دست شما می‌رسد (از آن به بعد) سر قلم خود را باریک، و فاصله بین سطور را کم، و نیازها را بدون حشو و زیادت در یک صفحه تنظیم کن، چون مسلمانان به گفته اضافه‌ای که به بیت المال آنان زیان وارد می‌کند نیازی ندارند».<sup>(۳۶)</sup>

### گشودن دروازه‌های تجارت و برداشتن موانع

یکی دیگر از اسباب و عوامل رشد اقتصادی و توسعه عمرانی و آبادانی آزاد کردن تجارت و گشودن مرزها و تخفیف در عوارض گمرکی و عدم تکرار آن بر یک محموله است. تاجری که از مرز کالای تجاری خود را وارد می‌کند تا به مقصد یا به دست مصرف کننده برسد چند جا اگر تحت فشار تعرفه‌های گوناگون باشد و مجبور به پرداخت آن بشود مسلم است این امر به رشد و توسعه و رونق بازرگانی و تجارت مردم کمک نمی‌کند، بلکه بیشتر سطح تورم و گرانی را بالا برده و یا آنان را به این فکر می‌اندازد که سرمایه خود را بیرون از مرز برده و در مناطق آزاد تجاری کشورهای همسایه سرمایه‌گذاری کنند، یا آن را راکد کنند.

حضرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله در بخشنامه‌ای به یکی از استانداران خود می‌نویسد:

«اجازه بده هر که خواست آزادانه تجارت کند و من معتقدم که ما مردم را از تجارت مانع نشویم، دریا و خشکی همه مال خداوند است که در اختیار بندگانش قرار داده تا در جستجوی فضل خداوند باشند پس چطور ما بین بندگان خدا و راههای کسب معیشت شان حایل بشویم».<sup>(۳۷)</sup>

ممکن است در این مورد بعضی اعتراض بکنند که برچیدن مالیاتها باعث کاهش میزان بودجه و اختلال در اقتصاد می‌شود، آنچه که واقعیت دارد باید بپذیریم همین بیم و هراس ذهن کارگزاران دولت زمان عمر بن عبدالعزیز را هم به خود مشغول کرده بود، زیرا اهل ذمه که به دولت اسلامی جزیه می‌پرداختند وقتی از محاسن اسلام باخبر شدند گروه گروه مسلمان می‌شدند و با اسلام آوردن جزیه از آنان ساقط می‌شد. در سطح وسیعی به عمر بن عبدالعزیز نوشتند که اگر این روند ادامه پیدا کند میزان مالیات و اقتصاد و درآمد دولت به شدت افت می‌کند و نظام کشور دست خوش هرج و مرج می‌شود، بنابراین باید امر عاجلی در پیش گرفت تا اقتصاد کشور فلج نشود.

عمر بن عبدالعزیز رحمه الله با اطمینان کامل به آنان نوشت: «خداوند متعال محمد صلی الله علیه و سلم را مبعوث کرد تا مردم را به اسلام دعوت دهند، نه این که از آنان مالیات بگیرد».<sup>(۳۸)</sup>

نتیجه چه شد؟

آن طور که کارگزاران او نگران بودند روی نداد و اقتصاد کشور فلج نشد و باعث بحرانهای مالی و اقتصادی نگردید؛ بلکه آن چه که مد نظر عمر بن عبدالعزیز رحمه الله بود و فکر می‌کرد به بار نشست و خلاف سیاست کارگزاران ثابت گردید و در اندک زمانی اقتصاد کشور شکوفا شد.

مولانا ندوی رحمه الله در کتاب ارزنده خود «رجال الفكر و الدعوة» می‌نویسد:

«اما این بحرانها روی نداد، بلکه مردم با یک رفاه عمومی رو برو شدند و میزان اقتصاد کشور و دولت بالا رفت، مردم در هر گوشه از این کشور پهناور در امن و آسایش قرار گرفتند تا جایی که کسی نماند که مستحق زکات باشد؛ و ثروتمندان و صاحبان سرمایه

☑ خداوند

متعال

محمد(ص) را

مبعوث کرد تا

مردم را به

اسلام دعوت

دهند، نه این

که از آنان

مالیات

بگیرد.

ان شاء الله اگر تمام قراردادهای و معاملات و طرحهای زیربنایی و تسهیلات بانکی را بر اساس احکام اسلامی انجام دهیم رشد و توسعه‌ای سازنده خواهیم داشت.  
من الله التوفيق

با مشکل مواجه شدند و کسی پیدا نمی‌شد که زکات آنان را بگیرد، بنابر این، این مسئله راه حل عاجلی را می‌طلبد»<sup>(۲۹)</sup>.  
آری، این یک فرضیه نیست بلکه یک تجربه و حقیقتی غیر قابل انکار است که تاریخ آن را در خود ثبت کرده است.

حال مسئله مالیات که هیچی! بانکها به عنوان منبع مهم اعطای تسهیلات و کمک به اشتغال زایی، حاضر به انجام عقود اسلامی نیستند پس از کجا رشد و توسعه را خواهیم داشت، در صورتی که با انجام عقود اسلامی به ربح مورد نظر خود هم دست یافته و متضرر هم نمی‌شوند.  
از طرفی دیگر مردم هم به نان و نوایی دست خواهند یافت و رشد و توسعه و آبادانی را به دنبال خواهد داشت.

در حالی که در کشور انگلستان که مهد نظام غربی و سرمایه‌داری است می‌بینیم که بانکها به فکر انجام عقود اسلامی افتاده‌اند اما خودمان آن را پیاده نمی‌کنیم.

خلاصه مطلب: اگر می‌خواهیم از لحاظ رشد و توسعه در تمام جوانب با مشکلی روبرو نشویم باید بیاییم احکام اسلام را پیاده کنیم و آفات توسعه (ربا، رشوه) را از بین برده و مشکلات اداری و بوروکراسی را به حداقل رسانده و در اختصاص بودجه‌ها اولویتهای هر بخش را در نظر گرفته و درجه بندی نموده و در تمام سطوح زندگی عدالت را به حق اجرا نموده و مدیران و مسئولان نمونه‌ای باشیم که اسلام در تمام برنامه‌ها مدنظرشان باشد و به اخلاص، ایمان، تقوی، توان کاری و امانت‌داری، مهارت و تخصص بالایی متصف باشند زیرا این مناصب و مقامها اسباب امتحان ما هستند که خداوند نگاه می‌کند ما چطور عمل می‌کنیم و «یستخلفکم فی الارض فینظر کیف تعملون»<sup>(۳۰)</sup>؛ شمارا در زمین جانشین گرداند تا ببیند چگونه عمل می‌کنید.

#### پی‌اوری:

- ۱- مطالعاتی در اقتصاد اسلامی.
- ۲- مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ۲۴۷-۲۴۵ تألیف: پروفیسور خورشید احمد.
- ۳- بررسی متون معاصر، اندیشه اقتصادی مسلمانان: ۲۷۹.
- ۴- تنظیم الاسلام للمجتمع: ۱۶، امام محمد ابوزهره.
- ۵- اندیشه اقتصادی مسلمانان: ۳۳۵.
- ۶- مطالعاتی در اقتصاد اسلامی: ۳۳۶.
- ۷- بقره: ۱۸۸.
- ۸- تنظیم الاسلام للمجتمع: ۱۶، امام محمد ابوزهره.
- ۹- خطابات صریحة الی الامراء والرؤساء: ۷۷.
- ۱۰- سیرت عمر بن عبدالعزیز: ۳۶.
- ۱۱- تنظیم الاسلام للمجتمع: ۳۱، امام محمد ابوزهره.
- ۱۲- تنظیم الاسلام للمجتمع: ۳۲، امام محمد ابوزهره.
- ۱۳- حیاة الصحابة: ۱۹۱۴، به نقل از بیهقی: ۳۵۲/۶.
- ۱۴- فقه السیرة: ۱۲۷، دکتر محمد سعید رمضان بوطی.
- ۱۵- نبرد ایدئولوژیک: ۳۴۷.
- ۱۶- الاسلام و العلمانية و جهالوجه: ۱۷۹، دکتر قرضاوی.
- ۱۷- قصص: ۲۶.
- ۱۸- التفسیر المنیر: ۸۷۲، دکتر وهبة الزحیلی.
- ۱۹- حیاة الصحابة: ۳۱۰/۴، به نقل از طبری: ۲۵۵-۲۶.
- ۲۰- حیاة الصحابة: ۴۷۲/۴، به نقل از حلیة ابونعیم: ۲۱۶/۱.
- ۲۱- نساء: ۵۸.
- ۲۲- التفسیر المنیر: ۹۱۳، دکتر وهبة الزحیلی.
- ۲۳- خطابات صریحة الی الامراء والرؤساء: ۷۷، ندوی.
- ۲۴- فقه السیرة: ۳۲۶، للبوطی.
- ۲۵- رجال الفکر و الدعوة: ۴۷/۱، ابوالحسن ندوی رحمه الله.
- ۲۶- سیرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله: ۶۴.
- ۲۷- سیرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله: ۹۹.
- ۲۸- خراج: ابویوسف: ۷۵، رجال الفکر و الدعوة.
- ۲۹- سیرت عمر بن عبدالعزیز رحمه الله: ۶۹، رجال الفکر و الدعوة: ۵۸۱.
- ۳۰- اعراف: ۱۲۹.

✓ در حالی  
که در کشور  
انگلستان که  
مهد نظام  
غربی و  
سرمایه‌داری  
است می‌بینیم  
که بانکها به  
فکر انجام  
عقود اسلامی  
افتاده‌اند اما  
خودمان آن را  
پیاده  
نمی‌کنیم.